



جمعه 18 فروردین 15 جمادی الاول 6 آوریل

اندیشه های «گوستاو لاندائوور» و سوسیالیسم با هدفهای مادی و معنوی ...

اندیشه های «گوستاو لاندائوور» و سوسیالیسم با هدفهای مادی و معنوی

«گوستاو لاندائوور» فیلسوف و نویسنده چپگرای آلمان در این روز در سال 1870 به دنیا آمد. وی بر افکار «کروپتکین» و «باکونین» با کمی پالایش تعریف نوشت و به صورت اصول درآورد. او در کتاب خود تعریف تازه ای از سوسیالیسم به دست داده و نوشته است که سوسیالیسم، تنها برآورده ساز عادلانه نیازهای مادی افراد و به عبارت دیگر «عدالت مادی (اقتصادی)» نیست، بلکه باید عدالت معنوی میان مردم را هم برقرار سازد تا روح و روان آنان ارضاء و اقناع شود. «آرزوی زندگی کردن در یک محیط برخوردار از عدالت عمومی» طبیعت مشترک بشر است و برای رسیدن به آن آمادگی لازم، اتحاد و بستن پیمان و بذل مساعی دارد، و این دولتها و حاکمان هستند که به خاطر باقی ماندن در قدرت - قدرتی که به داشتن آن عادت کرده اند و طبیعت ثانوی شان شده است با توسل به دستاویزهای گوناگون مانع از این اتحاد و مساعی می شوند و سنگ اندازی می کنند؛ بنابراین قدرت دولت باید به شوراها که شرط عضویت در آنها انساندوستی و معنویت باشد سپرده شود.

«لاندائوور» نوشته است: هر جا که طبقه زحمتکش (ورکینگ کلاس) احساس استثمار شدن کند، وقوع انقلاب قابل پیش بینی است و نمی توان با توسل به زور برای مدتی طولانی مانع از وقوع آن شد. بشر کارگر می داند که چه کسانی از دسترنج او برخوردار می شوند و کینه استثمار شده نسبت به استثمارگر روز افزون است، پایان ناپذیر و روزی به انتقام تبدیل می شود. در نظر کارگر، سرمایه با زحمتی که او تحمل می کند قابل مقایسه نیست.

این اندیشمند که توصیف یک انقلابی راه تعمیم عدالت را به «آنارشویست» یک جعل قدرت طلبان و استثمارگران می داند تا بتوانند به نام مبارزه با آنارشویست (در قرن 21 «تروریست») هر کار که بخواهند بکنند همچنین نوشته است که خواست تامین عدالت عمومی (به زعم لاندائوور؛ سوسیالیسم مادی و معنوی) واقعیتی است در نهاد هر انسان، و تنها گروهی کم ولی با سرمایه و نیروی زیاد هستند که نمی گذارند بشر برای رسیدن به آن آرزو با هم متحد شود. این گروه کوچک دست به هر اقدامی می زند تا این قدرتهایش (از جمله حکومت) را از دست ندهد.

«لاندائوور» که افکار فلسفی خود را به صورت داستانهایی کوتاه هم برای درک مردم عادی می نوشت دوم مه 1919 در مونیخ آلمان در پی یک تظاهرات خیابانی به دست نظامیان کشته شد.

ایتالیا با هدف احیاء امپراتوری روم آلبانی را تصرف کرد

ایتالیا کشور آلبانی در شرق دریای آدریاتیک، نه چندان دور از خاک خود را به این بهانه که قرنهای پیش گوشه ای از امپراتوری روم بود هفتم آوریل 1939 اشغال نظامی کرد و جامعه ملل نتوانست مانع این کار شود. این ضعف نقطه پایان کار این جامعه بود که سران آمریکا و انگلستان در جریان جنگ جهانی دوم طرح تاسیس سازمان ملل را به جای آن ابداع کردند. سقوط آلبانی در آن سال، دولت لندن را برآن داشت تا به کمک یونان بشتابد تا این کشور به وضعیت آلبانی دچار نشود. با ورود انگلستان به صحنه، آلمان نیز به حمایت از ایتالیا به یونان لشکر کشید و با اخراج انگلیسی ها آنجا را متصرف شد.

سازش پنهانی مسکو و واشنگتن بر سر افغانستان

در این روز در سال 1988، در پی مذاکرات و قول و قرار های پنهانی مسکو و واشنگتن، دولت گورباچف اعلام داشت که نیروهایش را از افغانستان خارج خواهد ساخت. این نیروها که شمارشان از 119 هزار تجاوز نکرده بود 9 سال پیش از آن وارد افغانستان شده بودند تا افغانستان که گرفتار نزاع داخلی کمونیستهای این کشور شده بود تحت نفوذ آمریکا قرار نگیرد. روسها در افغانستان نزدیک به 15 هزار کشته تلفات داده بودند زیرا که دولت آمریکا با کمک مالی و دادن اسلحه، برخی از قبایل افغانستان در برابر روسها قرار داده بود. طالبان و القاعده محصول همین سیاست آمریکا بوده اند. خروج نظامیان دولت مسکو از افغانستان در سال 1989 تکمیل شد.